



حماسه آفرینان جاودان

اتوبوس‌ها کنار میدان شهدا ایستادند. آقای شکبیا که چفیه‌ی دوران دفاع مقدّسش را دور گردن انداخته بود، گفت: «اردوی ما از همین جا شروع می‌شود».

بچه‌ها با تعجّب گفتند: «اینجا؟ وسط تهران؟ مگر «اردوهای راهیان نور» را به مناطق جنگی نمی‌برند؟»

آقای شکبیا گفت: «آنجا هم می‌رویم؛ اما یادمان باشد که اینجا هم دیدنی و به یادماندنی است. اینجا میدان ژاله‌ی سابق است. روز هفده شهریور سال پنجاه و هفت، بسیاری از انقلابیون در همین میدان به شهادت رسیدند. به ظاهر این میدان نگاه نکنید. اینجا باغ لاله‌های سرخ و سرشار از عطر شهیدان انقلاب است».

نزدیک غروب به پادگان دو کوهه رسیدیم. آقای شکبیا به دور تا دور پادگان
نگاهی انداخت. سپس رو به بچه‌ها گفت: «اینجا محلّ تجمّع بهترین جوانان
سرزمین ماست. رزمندگان سلحشور از نقاط مختلف کشور به اینجا



می آمدند، سازماندهی می شدند و به سوی خطّ مقدّم حرکت می کردند. ارتش صدام، که به خیال خود می خواست سه روزه خود را به تهران برساند و انقلاب اسلامی را نابود کند، با ایستادگی و مقاومت همین رزمندگان روبه رو شد.

ردّ پای بسیاری از شهیدان و سرداران شهید مانند شهید همت، شهید زین الدّین و دیگران در اینجا دیده می شود. دو کوهه، کوهی از خاطرات شنیدنی در سینه دارد». برای نماز به حسینیه ی شهید همت می رویم؛ حسینیه ای که به یاد این شهید ساخته شده و سال ها شاهد نمازها و نیایش های رزمندگان و شهیدان بوده است.

نام چند شهید دوران مقدس را نام ببرید؟

به شلمچه رسیدیم؛ منطقه‌ای وسیع و بیابانی با خاکریزهایی کوچک و بزرگ. دو طرف جاژه پوشیده از سیم خاردار و موانع نظامی بود و تعدادی تانک سوخته و نیم‌سوخته از زمان جنگ در منطقه به یادگار مانده بود.

آقای شکیبای‌تاب شد و با شور و اشتیاق به پهنای منطقه چشم دوخت. گویی خاطرات بسیاری از شلمچه داشت. نفس عمیقی کشید و گفت:

«به سرزمین شقایق‌های پریر، به گلستان همیشه بهار شلمچه خوش آمدید!

در اینجا تعدادی از بزرگ‌ترین عملیات‌های دفاع مقدّس اتفاق افتاد؛ عملیات‌هایی که در آن رزمندگان موقّق شدند از بزرگ‌ترین میدان‌های مین و محکم‌ترین سنگرهای دشمن عبور کنند و موجب حیرت بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان شوند.



در اینجا چه حماسه‌هایی آفریده شد!
چه جوان‌هایی جوانمردانه جنگیدند و جان خویش را تقدیم خدا کردند».



به طرف حسینی‌های شهدای گمنام شلمچه به راه افتادیم.
با ادب در برابر شهیدان گمنام ایستادیم و مثل شاگرد، گرداگرد آموزگاران ایمان و شهادت زانو زدیم.
آقای شکیبا گفت: «از این عزیزان هیچ نام و نشانی به دست نیامده است. اینها همه چیزشان را تقدیم خدا کردند؛ حتی نام و نشانشان را!»
دور تا دور حسینی‌ها به تصویر و وصیت‌نامه‌ی شهیدان آراسته بود. شهدای دانش‌آموز، دانشجو، روحانی و ...
غرق تماشای تصاویر بودیم که احمد ما را صدا زد.
– بچه‌ها! بیایید اینجا!

همگی دور یکی از تابلوها جمع شدیم. نوشته‌ی روی تابلو، توّجه ما را به خود جلب کرد:

«سلام ما را به امام خمینی برسانید. از قول ما به امام بگویید: همان‌طور که فرموده بودید، مانند امام حسین (علیه‌السّلام) مقاومت کردیم، ماندیم و تا آخر جنگیدیم». این آخرین سخن آن بسیجی قهرمان قبل از شهادتش بود.

از حسینه بیرون آمدیم و چند لحظه در گوشه‌ای نشستیم. به آنچه دیده و خوانده بودیم، فکر می‌کردیم.

آقای شکیبا گفت: «شهدا پیرو راه امام حسین (علیه‌السّلام) بودند و تا آخرین قطره‌ی خون خود از کشور اسلامی ما دفاع کردند. آنها پاداش زیادی پیش خدا دارند. خدا در قرآن می‌فرماید:

وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ،
فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

«هرکس در راه خدا بجنگد؛ کشته شود یا پیروز گردد،
پاداش بزرگی به او خواهیم داد».

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۴

خدا در قرآن در مورد شهدا چه فرموده اند؟

هر لحظه به شمار جمعیت افزوده می‌شد. از آقای شکیبا پرسیدیم: «چرا مردم هر سال به این مناطق سفر می‌کنند؟»
– شهدا در راه خدا از همه چیز خود گذشتند. آنها جانشان را فدا کردند تا میهن اسلامی پایدار بماند. فداکاری آنها دشمنان اسلام را خوار و ذلیل کرد. ما به این مناطق می‌آییم تا یاد آنها را زنده نگه داریم و از شهدا درس بگیریم. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

پیامبر در مورد شهادت چه فرموده اند؟

بالاتر از هر کار نیک، کار نیک دیگری است و
شهادت در راه خدا بالاترین نیک است.

شهدا به بالاترین نیکی‌ها رسیدند و ما هم با درس گرفتن از آنها می‌توانیم بهتر و زیباتر زندگی کنیم.



بخشی از وصیت‌نامه‌ی یک دانش‌آموز شهید

به همه سفارش می‌کنم که زیاد قرآن
بخوانید و دعا کنید.
پدر و مادر عزیزم! شما یک عمر برایم
زحمت کشیدید؛ ولی من برای شما
چه کرده‌ام؟ حدیثی هست که «اگر
می‌خواهی گناهت پاک شود، به پدر و
مادرت کمک کن»؛ ولی من برای شما
این‌گونه نبودم! از شما می‌خواهم که
مرا حلال کنید.

برایم بگو

در دوران دفاع مقدّس، غیر از شهدا چه کسان دیگری در حملات دشمن صدمه و آسیب دیدند؟
مردم بی گناه - کودکان و سالمندان که در مناطق جنگ زده ساکن بودند

گفت و گو کنید

این جملات از وصیت‌نامه‌ی یکی از نوجوانان شهید انتخاب شده است.

✿ هدف این نوجوان از حضور در جبهه چیست؟

این جوانان با الگو قرار دادن شهدای کربلا، عازم جبهه شدند و هدفی جز دفاع از اسلام و میهن نداشتند.

هم‌اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم، با قلبی پر از عشق به جبهه و قلبی سرشار از ایمان، عازم جبهه‌ی حق علیه باطل هستم. من ندای حسین‌گونه‌ی امام امت را با دل و جان پذیرفته‌ام و در خطّ حسین و پشت سر سیدالشهداء حرکت می‌کنم.

من می‌خواهم به جبهه بروم تا به دشمنان اسلام بفهمانم که اسلام تنها نیست و ما تا خون در رگ داریم، اسلام و امام را یاری خواهیم کرد.

✿ با توجه به آنچه خواندیم به نظر شما اگر فداکاری‌های شهدا و رزمندگان کشور دست بیگانگان می افتاد نبود، چه وضعی برای ما پیش می آمد؟

ایستگاه فکر

در کتاب فارسی سوم دبستان با داستان فداکاری شهید فهمیده در دفاع مقدس آشنا شدید. **رهبر ما آن طفل ۱۲ ساله است که با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت.**

🌀 آیا جمله‌ی تاریخی امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره‌ی این «رهبر کوچک» را به خاطر دارید؟

🌀 به نظر شما چه شباهت‌هایی میان رفتار شهید حسین فهمیده با رفتار حضرت قاسم (علیه السلام) در روز عاشورا وجود دارد؟
شجاعت و رشادت در مبارزه با دشمنان، ایثار و فداکاری در راه اسلام



به جز شهدای دفاع مقدّس، چه شهدای دیگری در این زمان می‌شناسید؟
شهدای مدافع سلامت، مدافع حرم و.....

بگرد و پیدا کن

در اینجا نام تعدادی از شهدای دفاع مقدّس آمده است. در زیر بخشی از نام آنها، خط کشیده شده است. این بخش‌ها را در جدول پیدا کنید و دور آنها خط بکشید. حروف باقیمانده را به ترتیب کنار هم قرار دهید و یک کلمه بسازید. این کلمه، عنوان کسانی است که به شهیدان زنده معروف‌اند. به نظر شما وظیفه‌ی ما در برابر آنها چیست؟



محمود کاوه



بهنام محمّدی



مصطفی چمران



مهدی باکری



محمدابراهیم هکمت



علی سعید شیرازی



حسین ختاری



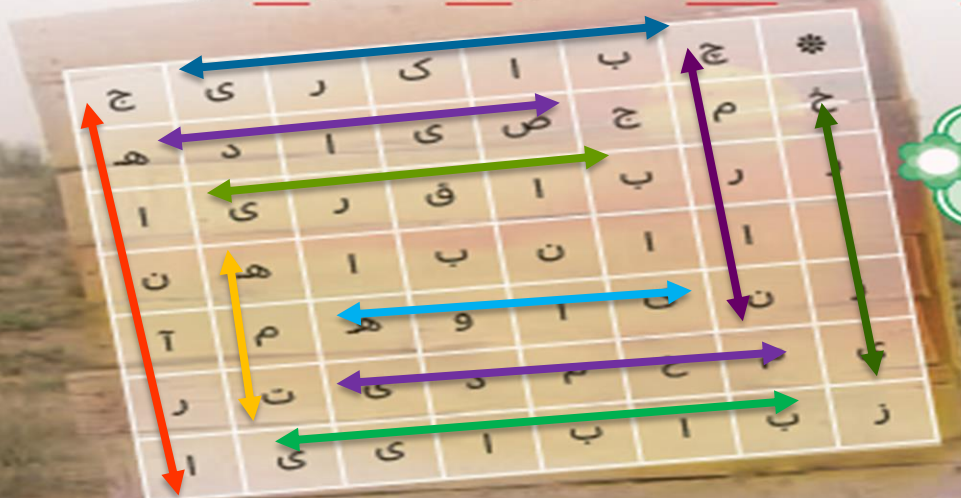
محمد جهان‌رازا



حسن باکری



عباس بابایی



جانباز

شهید زنده است.

بله

آیا تا به حال به زیارت شهدا رفته‌اید؟



به دیدار خانواده‌های ایشان چطور؟

بله



چه احساس، داشتید؟

پاسخ: احساس آرامش خاصی داشتم و آرزو می‌کردم من هم مانند آنها در راه وطنم فداکاری می‌کردم تا خشنودی خداوند را کسب کنم.

کامل کنید

به نظر شما، ما دانش‌آموزان چه درس‌هایی می‌توانیم از شهدا بگیریم؟

ایستادگی

فداکاری

شجاعت

ایستگاه خلاقیت

بخش‌هایی از وصیت‌نامه‌ی دو شهید دفاع مقدّس را در این درس با هم خواندیم. کدام یک از جمله‌های این وصیت‌نامه‌ها را بیشتر دوست داشتید؟ یکی از این جملات را با خطی زیبا روی مقوّا بنویسید و در کلاس یا راهرو مدرسه نصب کنید.

به همه سفارش می‌کنم که زیاد قرآن بخوانید و دعا کنید.

پدر و مادر عزیزم! شما یک عمر برایم زحمت کشیدید؛ ولی من برای شما چه کرده‌ام؟ حدیثی هست که «اگر می‌خواهی گناهت پاک شود، به پدر و مادرت کمک کن»؛ ولی من برای شما این‌گونه نبودم! از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید.

تحقیق کنید



درباره‌ی یکی از شهدا یا جانبازان یا اسیران محلّ زندگی خودتان، که در جنگ ایران و عراق حضور داشته‌اند، تحقیق کنید.



پایان درس پانزدهم



به دنیا خوب نگاه کن.

دنیا پر از فرصت های است که فقط منتظر توست

بیا خیز

و از فرصت ها جدید استفاده کن.